

بررسی عوامل و مولفه‌های مورد نیاز مدل پارادایمی آموزش - مهارت رشته حسابداری به روش گراندد تئوری

فاطمه رسولی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۵/۱۰

حبیب اله نخعی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۱۱

قدرت اله طالب نیا^۳محمد حسن غنی فر^۴

چکیده:

هدف اصلی این پژوهش، بررسی عوامل و مولفه‌های مورد نیاز مدل پارادایمی آموزش - مهارت رشته حسابداری است. در این پژوهش از روش پژوهش اسنادی و تحلیل محتوای کیفی با رویکرد قیاسی و روش توصیفی-استنتاجی استفاده شده است. در مرحله اول این پژوهش که جنبه کیفی دارد از روش مصاحبه فردی نیمه ساختاریافته تا رسیدن به حد اشباع نظری (تعداد ۱۰ نفر) با اساتید خبره، شاغلین حرفه‌ای اعم از مدیران مالی شرکت‌های بزرگ، تحلیل‌گران مالی بورس اوراق بهادار و حسابداران و حسابرسان خبره انجام شد. که در نهایت مصاحبه‌ها با استفاده از روش گراندد تئوری و نرم افزار Maxqda کدگذاری شد. مولفه‌های نهایی آموزشی و مهارتی از دیدگاه جامعه آماری در ۵ طبقه عوامل علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها شناسایی گردید و بر اساس روش داده بنیاد استراوس کورین مدل پارادایمی تحقیق طراحی گردید و مدل پارادایمی در بخش معادلات ساختاری نیز اعتباریابی گردید. ارزیابی ضریب کاپا (۰/۶۴۷) بیش از مقدار قابل قبول به دست آمد. این مقدار به معنای پایایی پژوهش است. نتایج تحقیق حاکی از آن است، با توجه به اینکه میزان توانایی عملی دانش آموختگان حسابداری از نظر دانشگاهیان و حسابرسان متفاوت می باشد، با شناسایی عوامل و مولفه‌های مورد نیاز مدل پارادایمی آموزش- مهارت و اجرای آن در محیط دانشگاه‌ها و بازار کار، دیدگاه‌های دانشگاهیان و حسابرسان را در مورد میزان توانایی دانش آموختگان رشته حسابداری بهم نزدیک کرد، چرا که با نزدیک شدن این گروه‌ها و همکاری مستمر می توان شرایط تربیت حسابداران و حسابرسان حرفه‌ای و متخصص را فراهم کرد و موجب عملکرد بهتر دانش آموختگان رشته حسابداری در بازار شد.

واژه‌های کلیدی: مدل پارادایمی، اعتباریابی، آموزش، مهارت، حسابداری.

^۱ دانشجوی دکتری حسابداری، واحد بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی، بیرجند، ایران

^۲ استادیار گروه حسابداری، واحد بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی، بیرجند، ایران

^۳ گروه حسابداری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

^۴ استادیار گروه علوم تربیتی، واحد بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی، بیرجند، ایران

در یک دهه اخیر، پژوهش‌های متعددی در زمینه علت شکست شرکت‌ها در حوزه حرفه حسابداری انجام شده است. نتیجه این پژوهش‌ها حاکی از وجود عوامل مربوط به جهانی شدن اقتصاد، تغییرات فناوری و تمرکز بازار بر صندوق‌های بزرگ بازنشستگی و سرمایه‌گذاری بوده است. این عوامل کلیدی، منتج به کاهش هزینه‌های اطلاعات و افزایش سطح رقابت در میان سازمان‌ها شده که به نوبه خود، باعث نیاز به تغییر در حوزه‌های زیر شده است (آلبرچک و سک، ۱، ۲۰۰۰):

- تغییر گزارشگری مالی و روابط با بازارهای مالی و فعالان اصلی بازار.
- افزایش فعالیت‌های بازرسی.
- افزایش سرعت تغییر در محیط تجارت.

برای برآورده شدن این نیازها، کارفرمایان به دنبال دانش آموخته‌گانی با طیف متنوعی از مهارت‌ها و ویژگی‌ها هستند (محمد و لاشاین، ۲، ۲۰۰۳). بنابراین، از دانش آموختگان حسابداری انتظار می‌رود، دانش مربوط به حرفه خود را در طول عمر حرفه‌ای خود، گسترش دهند و مهارت‌های جامع‌تر و متنوع‌تری کسب نمایند (هوئیسون، ۳، ۲۰۰۳). دانشگاه باید پایه‌ای برای آموزش مادام‌العمر دانش‌آموختگان و گسترش دانش حرفه‌ای آن‌ها مهیا نماید (ویست، ۴، ۱۹۹۸). موضوع عدم توانایی دانشگاه‌ها در آماده کردن فارغ‌التحصیلان برای شروع به کار حرفه‌ای و داشتن مهارت‌های جامع‌تر باعث ایجاد بحث‌های زیادی شده است (ماتیوز، ۵، ۲۰۰۰). بسیاری از نویسندگان به دلیل تفاوت بین برنامه‌های آموزشی با شیوه عمل (کار) حسابداری، نیاز به تغییر برنامه درسی را بیان کرده‌اند. به منظور بهبود کیفیت آموزش و کاهش فاصله انتظارات مربوط به تقاضای کارفرما، آموزش دانشگاهی حسابداری، نیازمند اصلاح می‌باشد (حاسل و همکاران، ۶، ۲۰۰۵). بنابراین اولاً^۱ نیازمند به تغییر در ساختار آموزش حسابداری و ثانیاً^۲ نیاز به پژوهش در زمینه چگونگی تغییر مذکور به وجود آمده است (آلبرچک و سک، ۲۰۰۰). لذا در این فصل مبانی نظری طراحی و اعتباریابی الگوی آموزش و مهارت رشته حسابداری توضیح داده می‌شود که دستاوردها و ارزش علمی پژوهش شامل موارد ذیل هست: اولاً^۳ اینکه نتایج پژوهش می‌تواند موجب گسترش مبانی نظری پژوهش‌های گذشته در ارتباط با آموزش و مهارت حسابداری شود. دوماً^۴ اینکه، شواهد پژوهش نشان خواهد داد که از دید شاغلین در حرفه حسابداری اعم از مدیران مالی، تحلیلگران بازار بورس و حسابرسان خبره چه مهارت‌هایی برای جذب دانش‌آموختگان

¹Albrecht and sack

² Mohamed and lashine

³ Howieson

⁴ west

⁵ Mathews

⁶Hassall

این رشته در بازار کار مورد نیاز است که این موضوع می‌تواند اطلاعات سودمندی را در اختیار تدوین‌کنندگان سرفصل‌های دروس دانشگاهی، متولیان امر آموزش و دانشجویان حسابداری قرار دهد.

در ایران نیز افزایش دانشجویان و دانش‌آموختگان رشته حسابداری کاملاً محسوس است و با افزایش کمی، ارزیابی کیفی اهمیت بیشتری می‌یابد. نظام آموزشی حسابداری، مبتنی بر حفظ کردن مطالب است، و دانشجویان را برای روبرو شدن با دنیای پیچیده کسب و کار که پس از فارغ التحصیلی با آن روبرو می‌شوند، آماده نمی‌کند؛ لذا الگوی آموزشی حسابداری نا کارآمد است. هر کشوری ویژگی‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خاص خودش را دارد و به احتمال بسیار زیاد هدف‌ها و نیازهای اطلاعاتی مدیران اقتصادی هر کشوری نسبت به کشور دیگر متفاوت است. در نتیجه هر کشوری باید تشویق شود به جای تقلید از ساختارها و مشخصات نظام‌های اطلاعاتی کشور دیگر، سیستم متناسب با نیازهای خود را طراحی و اجرا کند (رحمانیان و همکاران، ۱۳۹۸). هدف آموزش حسابداری تنها نیروی انسانی آگاه به مقررات و قوانین و استانداردهای حسابداری نیست. بلکه هدف تربیت افرادی با قدرت تفکر و خلاقیت است. افرادی که قدرت تحلیل مسائل حسابداری و توانایی حل مشکلات آن را داشته باشند. بدیهی است که تحصیل چنین هدفی با گنجاندن تحقیقات در محتوای آموزش ممکن خواهد بود (مک دونالد، ۱۹۷۵).

بر همین اساس پژوهش حاضر در صدد است با توجه به وجود عدم همسویی آموزش و نیازهای عملی در مورد مهارت‌های حرفه‌ای بطور جامع به بررسی یکپارچه شکاف انتظار و عمل در آموزش مهارت‌های حرفه‌ای با شناسایی عوامل و مولفه‌های آموزش-مهارت مورد نیاز در رشته حسابداری در ایران بپردازد. بدیهی است برای تامین انتظارات کارفرمایان و توانمند کردن دانش‌آموختگان حسابداری در مورد مهارت‌های حرفه‌ای و حل مشکلات پیش روی نظام آموزش حسابداری در ایران باید این شکاف‌ها بصورت یکجا و جامع شناسایی گردند تا با تدوین برنامه جامع آموزش مهارت‌های حرفه‌ای در رشته حسابداری گام‌های بعدی جهت ارتقا آموزش رشته حسابداری و تامین انتظارات برداشته شود. مدل پارادایمی آموزش-مهارت رشته حسابداری تمامی مولفه‌های مهارتی-آموزشی در تامین انتظارات حرفه و بازارکار را بیان می‌کند.

بررسی تاریخی برنامه الگوی آموزش دانشگاهی حسابداری در ایران طی پنجاه سال گذشته نشان دهنده این نکته اساسی است که در چارچوب کلی آموزش رسمی حسابداری، با توجه به تغییرات به وجود آمده در محیط اقتصادی حرفه‌ای حسابداری، دگرگونی بنیادی صورت نگرفته است. بر همین اساس بسیاری از صاحب نظران حرفه حسابداری، در ایران ادعا می‌کنند که فارغ التحصیلان حسابداری دانش و مهارت لازم جهت پاسخگویی به حرفه حسابداری و حسابرسی را ندارند (نوروش و مشایخی، ۱۳۸۴؛ مشایخی و شفیعی‌پور، ۱۳۹۱). تحقیقات متعددی در سنوات اخیر در حوزه علل ناکارآمدی آموزش‌های دانشگاهی حسابداری جهت آماده سازی دانشجویان جهت تصدی وظایف محوله انجام شده است، که نتایج مربوطه اغلب بر این موارد تاکید دارند که اولاً "رشته علمی حسابداری نتوانسته خود را همگام با پیشرفت‌های دیگر علوم به روز کرده و ثانیاً" در شیوه آموزش و انتقال مناسب همین معلومات حسابداری به دانشجویان در دانشگاه‌ها نیز خلاهای

ملموسی وجود دارد. به عبارت ساده‌تر در حالیکه از یک سو، مازاد نیروهای دارای مدرک دانشگاهی حسابداری وجود دارد و در سمت دیگر کارفرمایان در بازار کار از کمبود حسابداران متخصص شکایت می‌کنند. تحقیقات متعددی در سال‌های اخیر جهت شناسایی این نواقص و پر کردن خلأهای مرتبط انجام شده است. از فارغ‌التحصیلان رشته حسابداری که عمده آموزش‌های دانشگاهی آن‌ها به شیوه صحیح دفترداری آن‌ها منحصر می‌شود، انتظار می‌رود که علاوه بر موارد مذکور چالش‌های مرتبط با پایگاه داده‌ها، نرم افزارهای کامپیوتری، قوانین مالیاتی، بیمه، مالک و مستاجر و واردات و صادرات و غیره نیز مدیریت نمایند در حالی که همگان روی این موضوع توافق دارند که ایشان در رابطه با موارد اخیر به اندازه کافی در دانشگاه آموزش ندیده‌اند (مشایخی و نوروش، ۱۳۸۴). اهمیت آموزش مهارت‌های متناسب با نیاز حرفه حسابداری به دانشجویان از سوی مراکز آموزشی و دانشگاهی در موفقیت آنان جهت ورود به بازار کار و همچنین فقدان پژوهش‌های کافی، این انگیزه را در نویسنده تحقیق به وجود آورد که موضوع فوق را به عنوان یک مطالعه پژوهشی برگزیند. پژوهش حاضر نیز در این رابطه در پی شناسایی مولفه‌های مهارتی- آموزشی دیدگاه‌های گروه‌های مختلف دانشگاهی و شاغلین حرفه در رابطه با عمده فاکتورهایی می‌باشد که موجب به وجود آمدن شکاف بین نیازهای بازار کار حسابداری و آموزش‌های دانشگاهی شده است که به صورت الگوی مولفه‌های مهارتی و آموزشی طراحی می‌گردد و سپس در گروه‌های مختلف مورد آزمون قرار می‌گیرند که تاکنون در پژوهشی به صورت داخلی مورد بررسی واقع نشده است. بنابراین با توجه به تغییرات روز افزون محیط تجاری نیاز شدیدی به وجود حسابداران تعلیم یافته و کارآزموده احساس می‌شود که این امر با روش‌های سنتی آموزش امکان پذیر نیست، لذا هدف از انجام این تحقیق طراحی و اعتباریابی الگوی آموزش و مهارت رشته حسابداری است. در روش فعلی پژوهش، مبنای نظری و عملی طراحی آموزشی و انواع الگوهای ارائه شده بررسی می‌گردند، سپس براساس چارچوب اولیه به دست آمده از تحلیل محتوای کیفی و تحلیل انجام گرفته بر روی الگوهای طراحی و نظریه مدل‌های متفاوت، الگوی اولیه مهارتی- آموزشی ترسیم می‌گردد.

روش پژوهش

پژوهش‌های علمی معمولاً بر اساس «هدف» و «ماهیت و روش» طبقه‌بندی می‌شوند. بر اساس هدف پژوهش‌های علمی به ۳ گروه بنیادی، کاربردی و عملی تقسیم می‌گردند. پژوهش بنیادی، به کشف قوانین و اصول علمی می‌پردازد و در آن سعی می‌شود دانش و نظریه‌ها به طور عام و خاص توسعه یابد (خاکی، ۱۳۹۰).

تحقیق حاضر از نظر زمان انجام تحقیق مقطعی، از نظر نتایج کاربردی، از نظر منطق اجرای تحلیل محتوای کیفی با رویکرد قیاسی، از نظر هدف توصیفی- استنتاجی و از نظر فرآیند اجرای تحقیق کمی است. در مرحله اول این پژوهش که جنبه کیفی دارد از روش مصاحبه فردی نیمه ساختاریافته تا رسیدن به حد اشباع نظری، با اساتید خبره، شاغلین حرفه‌ای (مدیران مالی شرکت‌های بزرگ، تحلیل‌گران مالی بورس اوراق بهادار و حسابداران و حسابرسان خبره) انجام شد. سوالات مصاحبه بر اساس بررسی پیشینه و مطالعه منابع و متون و

اسناد به شیوه همسوسازی برای دستیابی به مفاهیم، عبارات و واژه‌های کلیدی مرتبط بررسی عوامل و مولفه‌های تاثیر گذار مورد نیاز مدل پارادایمی آموزش - مهارت رشته حسابداری اقدام گردید که در این راستا داده‌های کیفی اولیه جمع‌آوری شد و با استفاده از روش گراند تئوری به شیوه استراوس کوربین و نرم افزار مکس کیودا چارچوب اولیه الگوی مورد نظر شکل گرفت. زمان هر مصاحبه ۱۵ تا ۴۰ دقیقه در نظر گرفته شد. مصاحبه‌ها به صورت مکتوب توسط محقق یادداشت برداری شد. و در نهایت یافته‌های حاصل از بررسی متون و مصاحبه‌ها با توجه به ماتریس مفهومی کدگذاری، با هم تجمیع شده و پس از حذف مضامین تکراری جهت اعتباریابی در اختیار متخصصان و صاحب‌نظران قرار گرفت. قلمرو مکانی این تحقیق اساتید خبره، شاغلین حرفه‌ای (مدیران مالی شرکت‌های بزرگ، تحلیل‌گران مالی بورس اوراق بهادار و حسابداران و حسابرسان خبره)، هستند. جامعه آماری، اساتید خبره، شاغلین حرفه‌ای (مدیران مالی شرکت‌های بزرگ، تحلیل‌گران مالی بورس اوراق بهادار و حسابداران و حسابرسان خبره)، جامعه آماری این تحقیق را تشکیل می‌دهند.

ابتدا اهداف، سوالات پژوهش و روش پژوهش تشریح شد. مکان و دوره زمانی پژوهش، جامعه آماری و شیوه نمونه‌گیری از دیگر موارد بیان شده در این فصل می‌باشد. در نهایت چگونگی استخراج و آماده‌سازی اطلاعات و آزمون‌های آماری و معیارهای استفاده شده مورد نیاز بیان شد. و در نهایت متغیرهای پژوهش با استفاده از روش گرداند تئوری و انجام مصاحبه و نرم افزار مکس کیودا ۱۲ تدوین و نهایی گردید.

یافته‌ها

تحلیل داده‌های کیفی

روش‌های متعددی به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی وجود دارد. میلر و کرابتری^۱ (۱۹۹۲) چهار روش اصلی به منظور طبقه‌بندی فنون تحلیلی پیشنهاد کردند. رویکرد ویرایشی ریشه در روش فلسفی پدیده‌شناسی داشته که هدف آن درک و فهم تجربیات زندگی جهان‌شمول هر فرد است. از دیدگاه پدیده‌شناسی، جوهره و هسته اصلی یک پدیده از تجربیات متنوع افراد استخراج شده و متمرکز بر پیمایش ماهیت فی‌الذات آن است (بوون و همکاران^۲، ۲۰۰۷). مفسر در این روش نقش یک ویرایشگری را ایفا می‌کند که متن‌های جستجو شده را در بخش‌های متناظر آن وارد کرد، اضافه و یا برخی از عبارات یا کلمات غیرضروری از متن را حذف می‌نماید (میلر و کرابتری، ۱۹۹۲). یک مثال بسیار عالی در زمینه رویکرد ویرایش روش بکار گرفته شده توسط گلاسر و استراسس (۱۹۶۷) است. آنان یک خط‌مشی کلی را برای نظریه‌پردازی بر اساس داده‌های کیفی ارائه دادند.

جدول (۱) - توزیع فراوانی افراد مصاحبه‌شونده بر اساس متغیر جمعیت شناختی

¹ Miller and Crabtree

² Boon et al.

مصاحبه‌شوندگان	جنسیت	سن	مقطع تحصیلی	تجربه کاری	رشته تحصیلی
1	مرد	42	کارشناسی ارشد	9	مدیر مالی
2	مرد	35	دکتری	9	مدیر مالی
3	مرد	34	دانشجوی دکتری	8	تحلیگر بورس
4	مرد	38	کارشناسی ارشد	16	حسابرس خبره
5	مرد	38	کارشناسی	12	مدیر مالی
6	زن	37	دکتری	3	تحلیگر بورس
7	زن	37	دکتری	12	مدیر مالی
8	زن	34	کارشناسی ارشد	10	حسابرس خبره
9	مرد	28	دکتری	9	اساتید
10	مرد	32	دکتری	12	اساتید

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول فوق نتایج توزیع فراوانی پاسخ‌دهندگان بر اساس متغیر جمعیت شناختی را نشان می‌دهد. نتایج حاکی از آن است که از میان ۱۰ فرد مصاحبه‌شونده، ۷ نفر را مردان و ۳ نفر آن‌ها را بانوان تشکیل داده‌اند. از حیث طیف سنی، میانگین سنی همه آن‌ها ۳۵ ساله بوده و بیشترین گروه سنی برابر با ۴۲ سال و کمترین آن مربوط به فردی با ۲۸ سال سن بود. توزیع فراوانی مصاحبه‌شوندگان بر اساس مقطع تحصیلی، در سه گروه کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری مشاهده شد که ۱ فرد با مدرک کارشناسی، ۳ نفر با مدرک کارشناسی ارشد و ۶ نفر با مدرک دکتری یا دانشجوی دکتری مشاهده گردید. میانگین تجربه کاری برابر با ۱۰ سال سابقه کار بوده و کمترین سابقه کاری ۳ سال و بالاترین آن ۱۶ سال مشاهده گردید. در نهایت، رشته‌های تحصیلی مدیر مالی، حسابرس خبره و اساتید و تحلیگر بورس شناسایی گردید که مدیر مالی با ۴ با تکرار دارای بیشترین فراوانی نسبت به سه رشته دیگر است. در این پژوهش از روش تئوری داده بنیاد (استراوس و کوربین، ۱۹۹۰)، برای گردآوری و تحلیل داده‌ها استفاده می‌شود. این پژوهش از بعد هدف از نوع تحقیقات اکتشافی شمرده می‌شود و از بعد استراتژی در دسته تحقیقات غیرآزمایشی، میدانی و کیفی قرار

¹ Strauss and Corbin

می‌گیرد. این روش پژوهش که با نام گرند تئوری^۱ شناخته می‌شود، ترجمه‌های مختلفی دارد، از جمله نظریه زمینه‌ای، نظریه بنیادی، نظریه پردازی داده بنیاد، نظریه مبتنی بر داده‌ها و نظریه برخاسته از داده‌ها.

الگوهای مختلفی از این تئوری توسط صاحب‌نظران ارائه شده که در این پژوهش از رویه نظاممند استراوس و کوربین (۱۹۸۹ و ۱۹۹۰) و کرمی و بیک بشرویه (۱۳۹۶) استفاده شده است. که بر تحلیل داده‌ها از طریق رویه منظم کدگذاری در سه مرحله باز، محوری و گزینشی تمرکز می‌کند و بر عرضه پارادایم منطقی یا تصویر تجسمی از نظریه در حال تکوین تأکید دارد. معمولترین نوع نمونه‌گیری در این روش تحقیق، نمونه‌گیری نظری است. که در آن، نمونه با هدف دستیابی به مجموعه اطلاعات جامع و غنی انتخاب می‌شود. در این نمونه‌گیری، افراد، اطلاعات یا رخدادهایی انتخاب می‌شوند که در روشن ساختن و تعریف حدود تناسب مقوله‌ها به محقق کمک کنند. در این مرحله محقق نمونه‌ای انتخاب می‌کند که اطلاعات مرتبط‌تری را در اختیار وی قرار می‌دهد. همچنان که داده‌ها تحلیل می‌شوند، پژوهشگر از یافته‌های به دست آمده برای انتخاب منابع بعدی استفاده می‌کند (گولدینگ، ۲۰۰۲). نمونه‌گیری نظری تا زمانی ادامه می‌یابد که مقوله‌ها به اشباع نظری^۲ برسند. در این پژوهش، با توجه به اهمیت موضوع، نیاز بود با افرادی مصاحبه شود. که ضمن برخورداری از تخصص‌های چندگانه، در این خصوص آگاهی کافی داشته باشند. از این رو در پژوهش حاضر افرادی که قبلاً یا در حال حاضر، ضمن تجربه در کار خود، در سایر حوزه‌ها نیز تخصص داشته و شاغل بودند، جزء جامعه آماری قرار گرفتند که در این بخش به شیوه گلوله برفی جهت معرفی و انتخاب نمونه استفاده شده است. برخی افراد نمونه در حوزه خود تصمیم‌گیرنده و بنام بودند، که ابتدا مصاحبه از آن‌ها شروع شد؛ سپس با پیش رفتن تحقیق و گردآوری و تحلیل داده‌ها، برای شناخت بهتر مفاهیم و مقوله‌ها با سایر افراد خبره در هر حوزه مصاحبه می‌شد. بدین ترتیب با 10 صاحب‌نظر مصاحبه به عمل آمد. جامعه آماری شامل کلیه اساتید خبره، شاغلین حرفه‌ای (مدیران مالی شرکت‌های بزرگ، تحلیل‌گران مالی بورس اوراق بهادار و حسابداران و حسابرسان خبره) است که این مهم از طریق پرسشنامه تکمیل می‌گردد.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها همانگونه که قبلاً بیان شد، تحلیل داده‌ها و استخراج مدل نهایی پژوهش طی سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی صورت می‌گیرد که در ادامه هر یک از این روش‌های کدگذاری و نحوه استفاده از آن‌ها در این پژوهش بیان خواهد شد. مراحل گراند تئوری به شرح ذیل است:

¹ Grounded theory

² Theoretical saturation

یکی از ویژگی‌های نرم‌افزار مکس کیودا، داده بنیاد محور بودن این نرم‌افزار است. فایل مصاحبه ابتدا جمع شده و وارد نرم‌افزار می‌شوند. کدها در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی استخراج شده و در نهایت به یک شکل مفهومی خاصی تبدیل می‌گردند. کل این فرایند معروف به روش گراند تئوری است چراکه از تحلیل جزء به جزء داده‌ها به اطلاعات کلی و نظام‌یافته رسیده می‌شود.

در مرحله کدگذاری باز ۱۰ فایل مصاحبه تجزیه و تحلیل شده و از این تعداد، مقدار ۳۹۶ مورد به عنوان تعداد فراوانی کل حاصل شد. مرحله بعدی، پس از کدگذاری باز، کدگذاری محوری ۱ است. سپس در کدگذاری با نرم‌افزار مکس کیودا به روش تحلیل محتوای، کدگذاری انتخابی ۲ است. که در ادامه کدهای استخراج شده در پنج معقوله علی، زمینه ای، مداخله گر، راهبردها و پیامدها به صورت جدول‌های مجزا ارائه شده است.

پایایی و اعتبار مدل

یکی از شاخص‌های پایایی پژوهش کیفی، ارزیابی دو یا چند سند از حیث ارجاع به شاخصی خاص است. نرم‌افزار Maxqda از چنین قابلیت‌هایی برخوردار است. از این حیث امکان استفاده از شاخص کاپا وجود دارد. برای ارزیابی پایایی مرحله فرا ترکیب سندی انتخابی در اختیار یکی از خبرگان قرار گرفته شد پس از ارزیابی ضریب کاپا (۰/۶۴۷) بیش از مقدار قابل قبول به دست آمد. این مقدار به معنای پایایی پژوهش است. در جدول (۲)، به ارزیابی ضریب کاپا حاصل از نرم‌افزار SPSS پرداخته شده است. همچنین ضریب معناداری کمتر از ۰/۰۵ گویای وجود رابطه کدگذاری میان دو سند بررسی شده است.

جدول (۲) - آزمون توافق کدگذاری میان پژوهشگر و یکی از خبرگان (مشتری) بر روی یکی از متون

مقدار کاپا	انحراف معیار برآوردی ^a	برآورد T ^b	معناداری برآورد (Sig)
0.647	0.178	4.855	0.001

کدهای استخراج شده

شرایط علی موثر بر مدل پارادایمی آموزش - مهارت رشته حسابداری

در این بخش کدهای اصلی، فرعی یا مقوله‌های اصلی و فرعی مربوط به شرایط علی موثر بر بهبود آموزش - مهارت رشته حسابداری را نشان می‌دهد. جدول زیر فراوانی مربوط به این مساله را نشان می‌دهد.

جدول (۳) - توزیع فراوانی کدهای اصلی و فرعی استخراج شده شرایط علی

¹ axial coding

² Selective coding

کدهای اصلی	کدهای فرعی	فراوانی کدهای فرعی
نیازهای مدیریتی	اهمیت و ضرورت رشته حسابداری	8
	کلیدی بودن عملکرد حسابداری	9
	جایگاه تصمیمات حسابداران و حسابرسان	5
	شکل گیری هسته های علمی در حسابداری	5
	تعیین ظرفیت های حوزه حسابداری	9
نیازهای علمی	اهمیت وجود سرفصل های درسی	9
	اهمیت محتوا مطلوب	8
	ضرورت مسائل آموزشی	7
	اهمیت دانش کافی	6
	جایگاه به روزرسانی دانش حسابداری	6
	شکل گیری بانک های اطلاعاتی-علمی	8
	شکل گیری دانش تخصصی در حوزه حسابداری	5
	نیاز به نیروی کار توانمند	9
نیازهای انسانی	ضرورت مسائل آموزشی	5
	پرورش نیروهای متخصص	5

مطابق با نتایج کدگذاری مشخص گردید که شرایط علی در سه بخش شامل نیازهای مدیریتی، نیازهای علمی و نیازهای انسانی دسته بندی گردید.

شرایط زمینه ای موثر بر مدل پارادایمی آموزش - مهارت رشته حسابداری

در این بخش کدهای اصلی، فرعی یا مقوله های اصلی و فرعی مربوط به شرایط زمینه ای موثر بر بهبود آموزش - مهارت رشته حسابداری را نشان می دهد. جدول ۴-۳ فراوانی مربوط به این مساله را نشان می دهد.

جدول (۴) - توزیع فراوانی کدهای اصلی و فرعی استخراج شده شرایط زمینه ای

کدهای اصلی	کدهای فرعی	فراوانی کدهای فرعی
مدیریت مالی و منابع	دانش کافی	8
	مقالات معتبر	9
	سطح عملیات	9
	سطح معلومات	7
تحلیل آماری	گردآوری اطلاعات	8
قوانین و مقررات	آموزش و کار	9
	سابقه و تجربه کاری	9
استاندارد ملی	برنامه حسابداری	6
	گزارشات باکیفیت	6
مهارت حسابرسی	طراحی الگویی با در نظر گرفتن تمام جوانب	6
	دانش حسابرسی	6
	آموزش	6
	اظهار نظر حسابرس	5
مهارت ارتباطی	ارتباطات	8
	تصمیمات مدیریت	7
	مهارت گروهی	7
مهارت حسابداری	مرکز آموزشی	5
	نرم افزارهای مالی و مالیاتی	5
	مهارت های شخصی و تحصیلی	5
	تجربه	5
مهارت شخصی	بی طرفی	6
	آموزش	6

کدهای اصلی	کدهای فرعی	فراوانی کدهای فرعی
	پشتکار	5
	اخلاق حرفه‌ای	5
	حفظ استقلال	5
	مدیریت و رهبری قوی	7
	مهارت‌های تخصصی	7
	مسئولیت	5
	تعهد کاری	5
	مستقل	6
	برنامه‌ریزی	6
	سیستم درست	6
	شخصیت قوی	5
رهبری تیمی	تفکیک وظایف	8
	خلاق	5
	تجربه	5
	رهبری	5
	توانایی	5
	تصمیم‌گیری	5
	سودآوری	5
مهارت سرمایه‌گذاری و دانش مالی	شرایط فردی و اقتصادی	5
	سرمایه‌گذاری مالی و زمانی	6
	تفکیک وظایف	6
خلاقیت	مهارت و آموزش	5

کدهای اصلی	کدهای فرعی	فراوانی کدهای فرعی
	رقابت بیشتر	7
	یادگیری مستمر	6
	انعطاف پذیری	6
	تفکر انتقادی	5
	خلاقیت یادگیری	5
مدیریت استراتژیک	مسئولیت پذیری	7
	بهره‌وری	5
	مهارت محوری	5
	فن آوری و تکنولوژی	5
	برنامه‌ریزی و مدیریت تغییر	5
	آموزش	6

مطابق با نتایج کدگذاری مشخص گردید که شرایط زمینه‌ای شامل مدیریت مالی و منابع، تحلیل آماری، قوانین و مقررات، استاندارد ملی، مهارت حسابرسی، مهارت ارتباطی، مهارت حسابداری، مهارت شخصی، رهبری تیمی، مهارت سرمایه‌گذاری و دانش مالی، خلاقیت و مدیریت استراتژیک می‌باشد.

شرایط مداخله گر موثر بر مدل پارادایمی آموزش - مهارت رشته حسابداری

در این بخش کدهای اصلی، فرعی یا مقوله‌های اصلی و فرعی مربوط به شرایط مداخله گر موثر بر بهبود آموزش - مهارت رشته حسابداری را نشان می‌دهد. جدول ۴-۴ فراوانی مربوط به این مساله را نشان می‌دهد.

جدول (۴) - توزیع فراوانی کدهای اصلی و فرعی استخراج شده شرایط مداخله گر

کدهای اصلی	کدهای فرعی	فراوانی کدهای فرعی
نیازهای مدیریتی	ضعف در فرهنگ آموزش در رشته حسابداری	8
	عدم اعتماد راسخ به رشته حسابداری در مسائل حساس و کلیدی کشور	9
	نفوذ سیاسی در حوزه حسابداری	5
	فرایندهای ناکارآمد سازمانی در رشته حسابداری	5
	نبود گرایش های کاربردی و مختلف در رشته حسابداری	9
شرایط خرد	عدم به روز رسانی محتوای علمی	9
	عدم وحدت رویه در رشته حسابداری	8
	رشد بدون کیفیت و استاندارد رشته حسابداری در دانشگاه ها	7
	عدم توجه به حوزه حسابداری در سنین پایین	6
	نبود سیستم های انگیزشی در رشته حسابداری	6
	عدم تعاملات بین رشته ای در رشته حسابداری	8
	عدم تمرکز بر فرصت های شغلی و علمی رشته حسابداری	5

مطابق با نتایج کدگذاری مشخص گردید که شرایط مداخله گر شامل شرایط کلان و شرایط خرد می باشد.

راهبردهای مدل پارادایمی آموزش - مهارت رشته حسابداری

در این بخش کدهای اصلی، فرعی یا مقوله های اصلی و فرعی مربوط به راهبردهای بهبود آموزش - مهارت رشته حسابداری را نشان می دهد. جدول ۵ فراوانی مربوط به این مساله را نشان می دهد.

جدول (۵) - توزیع فراوانی کدهای اصلی و فرعی استخراج شده راهبردها

فراوانی کدهای فرعی	کدهای فرعی
8	ایجاد کمیته های تخصصی در خصوص توسعه آموزش و مهارت در رشته حسابداری

فرآوانی کدهای فرعی	کدهای فرعی
6	برگزاری همایش های ملی و بین المللی با تاکید بر بهبود سیستم های آموزشی و مهارتی در رشته حسابداری
6	ایجاد سامانه اطلاعاتی در خصوص محتوای علمی در رشته حسابداری
6	شناسایی و توسعه آموزش و مهارت های حرفه ای حسابداری بومی در سطح دانشگاه ها
6	آسیب شناسی شکاف انتظاراتی بهینه سازی آموزش حسابداری در دانشگاه ها
7	تدوین برنامه آموزشی رشته حسابداری در دانشگاه از نظرات مدیران مالی و شاغلین در صنعت
9	ارتباط مستمر بین دانشگاه و حرفه حسابداری
9	ایجاد دوره های کارآموزی به منظور به روز رسانی مهارت های علمی و عملی دانش آموختگان حسابداری
9	آموزش مستمر برای افراد شاغل در حرفه حسابداری و حسابرسی مطابق با انتظارات معقول و تعدیل شده

مطابق با نتایج کدگذاری مشخص گردید که تعداد ۹ راهبرد در تحقیق حاضر شناسایی گردید.

پیامدهای مدل پارادایمی آموزش - مهارت رشته حسابداری

در این بخش کدهای اصلی، فرعی یا مقوله های اصلی و فرعی مربوط به پیامدهای بهبود آموزش - مهارت رشته حسابداری را نشان می دهد. جدول ۴-۶ فرآوانی مربوط به این مساله را نشان می دهد.

جدول (۶)- توزیع فرآوانی کدهای اصلی و فرعی استخراج شده پیامدها

فرآوانی کدهای فرعی	کدهای فرعی	کدهای اصلی
8	ایجاد نیروی انسانی خبره رشته حسابداری	پیامدهای شغلی
7	به روز رسانی آموزش های شغلی-علمی در رشته حسابداری	

کدهای اصلی	کدهای فرعی	فراوانی کدهای فرعی
	شکل گیری سرفصل های کاربردی در رشته حسابداری	8
	ایجاد بانک های اطلاعاتی در رشته حسابداری	6
پیامدهای فردی	ایجاد نیروی انسانی خبره جهت فعالیت در حوزه شغلی	6
	به روز رسانی دانش فنی دانش آموختگان رشته حسابداری	5
	افزایش علاقه فردی دانشجویان به رشته حسابداری	5
پیامدهای حسابداری	بهبود جایگاه رشته حسابداری	8
	افزایش اهمیت کارکردهای رشته حسابداری	9
	بهبود اعتماد به رشته حسابداری	7
	غنی سازی ارکان مختلف رشته حسابداری	8
	مشخص شدن ظرفیت های رشته حسابداری	5

مطابق با نتایج کدگذاری مشخص گردید که پیامدها شامل پیامدهای شغلی، پیامدهای فردی و پیامدهای حسابداری می باشد.

مطابق با یافته های شکل فوق، مشاهده می شود که توزیع فراوانی کدهای استخراج شده در بین ۱۰ فایل مصاحبه دارای سطح پایایی و تناسب بسیار بالایی است و پراکندگی اعداد ۱ و ۲ بین مصاحبه شونده ها از تناسب خوبی برخوردار است که حاکی از معنی داری ضریب کاپا می باشد. به عبارت دیگر، کدهای استخراج شده به عنوان مؤلفه ها از سوی همه مصاحبه شونده ها اشاره شده و به مهم بودن مؤلفه های استخراج شده اشاره دارد. همچنین در شکل زیر خروجی دستور ورد کلود ارائه شده است.



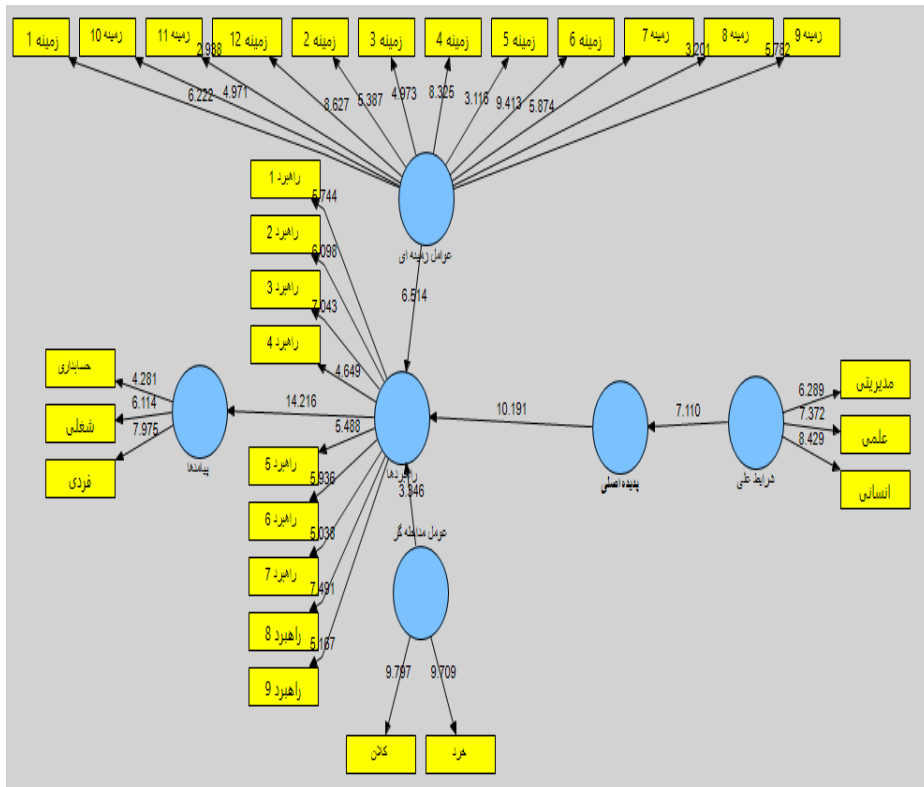
شکل (۱) - خروجی دستور ورد کلود (Word Cloud)

شکل زیر مدل پارادایمی تحقیق حاضر را نشان می دهد.



شکل (۲) - مدل پارادایمی تحقیق

جهت تایید اعتبار مدل پارادایمی از روش معادلات ساختاری استفاده شده است همانگونه که قبلا اشاره شد، بخش مدل ساختاری نیز متغیرهای پنهان همراه با روابط میان آنها را بررسی می کند. با توجه به دو شکل فوق، مقدار T-Value برای ۵ رابطه مربوط به فرضیات تحقیق بیشتر از $1/96$ می باشد و همه رابطه ها تایید شده است. این به معنای برازش مناسب مدل است.



شکل ۴-۷ ضرایب معنی داری t (مقادیر t-values)

هدف اصلی از انجام این بررسی عوامل و مولفه‌های مورد نیاز مدل پارادایمی آموزش - مهارت رشته حسابداری است. مولفه‌های نهایی در ۵ بخش عوامل علی، عوامل زمینه‌ای، عوامل مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها مشخص گردید. مطابق با نتایج کدگذاری مشخص گردید که شرایط علی در سه بخش شامل نیازهای مدیریتی، نیازهای علمی و نیازهای انسانی دسته بندی گردید. مطابق با نتایج کدگذاری مشخص گردید که شرایط زمینه‌ای شامل مدیریت مالی و منابع، تحلیل آماری، قوانین و مقررات، استاندارد ملی، مهارت حسابرسی، مهارت ارتباطی، مهارت حسابداری، مهارت شخصی، رهبری تیمی، مهارت سرمایه‌گذاری و دانش مالی، خلاقیت و مدیریت استراتژیک می‌باشد. مطابق با نتایج کدگذاری مشخص گردید که شرایط مداخله‌گر شامل شرایط کلان و شرایط خرد می‌باشد. مطابق با نتایج کدگذاری مشخص گردید که تعداد ۹ راهبرد در تحقیق حاضر شناسایی گردید. این راهبردها شامل ایجاد کمیته‌های تخصصی در خصوص توسعه آموزش و مهارت در رشته حسابداری، برگزاری همایش‌های ملی و بین‌المللی با تاکید بر بهبود سیستم‌های آموزشی و مهارتی در رشته حسابداری، ایجاد سامانه اطلاعاتی در خصوص محتوای علمی در رشته حسابداری، شناسایی و توسعه آموزش و مهارت‌های حرفه‌ای حسابداری بومی در سطح دانشگاه‌ها، آسیب‌شناسی شکاف انتظاراتی بهینه‌سازی آموزش حسابداری در دانشگاه‌ها، تدوین برنامه آموزشی رشته حسابداری در دانشگاه از نظرات مدیران مالی و شاغلین در صنعت، ارتباط مستمر بین دانشگاه و حرفه حسابداری، ایجاد دوره‌های کارآموزی به منظور به روز رسانی مهارت‌های علمی و عملی دانش‌آموختگان حسابداری و آموزش مستمر برای افراد شاغل در حرفه حسابداری و حسابرسی مطابق با انتظارات معقول و تعدیل شده بود. مطابق با نتایج کدگذاری مشخص گردید که پیامدها شامل پیامدهای شغلی، پیامدهای فردی و پیامدهای حسابداری می‌باشد.

در تحقیقات مختلفی به این مساله اشاره شده است. زلر و همکاران^{۱۴} (۲۰۱۶)، نیز در پژوهشی جهت طراحی و اجرای برنامه آموزش حسابداری در جهت انتقال شایستگی‌ها، عناصر و مولفه‌های اهداف، محتوا، ابزار سنجش، زمان‌بندی سنجش، استانداردهای ارزشیابی و زمان اتمام برنامه را در پژوهش مورد توجه قرار داده‌اند. آن‌ها در بعد اهداف به دانش کاربردی، در بعد محتوا به همکاری مدرس و یادگیرنده، در بعد ابزارهای سنجش به مقیاس‌های چندمنظوره، در بعد زمان‌بندی سنجش به سنجش تکوینی، در بعد استانداردهای ارزشیابی به آزمون‌های معیارمحور و در زمان اتمام برنامه، به متغیر بودن زمان اشاره و تاکید دارند. اندرانیک و همکاران^{۱۵} (۲۰۱۵)، در پژوهشی به طراحی الگویی نظام‌مند جهت طراحی برنامه درسی مبتنی بر شایستگی پرداخته‌اند. ایشان در این زمینه الگویی ارائه کرده‌اند که عناصر اصلی آن را رسالت‌ها، شایستگی‌ها، محتوا (محتوای شناختی، محتوای عملی و محتوای نگرشی)، راهبردهای آموزشی و ارزشیابی و بازخورد تشکیل می‌دهد. به زعم این پژوهشگران، شایستگی‌ها

¹⁴ Zeller et al.

¹⁵ Andronache et al.

از رسالت‌ها استخراج شده و به شایستگی‌های جزئی تقسیم می‌شوند. شایستگی‌های جزئی نیز در بردارنده سه بعد مهارت، دانش و نگرش است. این شایستگی‌ها به واسطه سه نوع محتوای مذکور و از طریق راهبردهای آموزشی ارائه شده و در نهایت فرایند طراحی با ارزشیابی و ارائه بازخورد شکل می‌گیرد. صفری گرایلی و رضایی پسته‌نویی (۱۳۹۵)، در پژوهشی به بررسی الگویی برای شناسایی و رتبه‌بندی مهارت‌های مورد نیاز دانش‌آموختگان حسابداری پرداختند. هدف اصلی این پژوهش ارائه الگویی برای شناسایی و رتبه‌بندی مهارت‌های مورد نیاز دانش‌آموختگان حسابداری از دیدگاه شاغلین حرفه حسابداری با استفاده از روش معادلات ساختاری می‌باشد. پژوهش حاضر از لحاظ گردآوری داده‌ها از نوع پیمایشی است که برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز از پرسشنامه‌ای محقق ساخته شامل ۳۴ متغیر مربوط به دانش و مهارت آموزش حسابداری، پس از انطباق با شرایط محیطی ایران، استفاده گردید. نتایج آزمون آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی بیانگر پایایی قابل قبول پرسشنامه پژوهش بود. نتایج حاصل از تحلیل ۱۲۶ پرسشنامه دریافتی از مدیران مالی شرکت‌های بزرگ نشان می‌دهد که از نظر شاغلین حرفه، اهمیت مهارت‌های تخصصی حسابداری از سایر مهارت‌ها بیشتر بوده و پس از آن مهارت‌های تحلیلی، ارتباطی، شخصیتی، افزایش قابلیت‌ها، مدیریت استراتژیک و رهبری به ترتیب اولویت قرار گرفتند. یافته‌های این پژوهش می‌تواند برای سیاست‌گذاران آموزش کشور و حرفه از جهت تربیت دانشجو و آماده سازی نیروی انسانی و ارتقاء تجربیات حرفه‌ای مفید باشد و شکاف بین آموزش و عمل را برطرف نماید.

به نظر می‌رسد اهمیت توجه به نیازهای مدیریتی، نیازهای علمی و نیازهای انسانی سبب گردیده است تا ضرورت الگوی آموزش - مهارت رشته حسابداری درک گردد. به صورتی که توجه به نیازهای مدیریتی، نیازهای علمی و نیازهای انسانی می‌تواند نقش مهمی در روند شکل‌گیری این الگو دارد. به صورت کلی مدل تحقیق حاضر نشان داد که نیازهای مدیریتی، نیازهای علمی و نیازهای انسانی به عنوان عوامل علی نقش مهمی در روند ایجاد ضرورت در مسیر شکل‌گیری الگوی آموزش-مهارت رشته حسابداری دارد. از طرفی بدون شک توجه به ابعادی شامل مدیریت مالی و منابع، تحلیل آماری، قوانین و مقررات، استاندارد ملی، مهارت حسابرسی، مهارت ارتباطی، مهارت حسابداری، مهارت شخصی، رهبری تیمی، مهارت سرمایه‌گذاری و دانش مالی، خلاقیت و مدیریت استراتژیک که در چارچوب عوامل زمینه‌ای قرار می‌گیرد؛ می‌تواند بستر فنی مناسبی در جهت توسعه الگوی آموزش - مهارت رشته حسابداری داشته باشد. به عبارتی توجه به عواملی شامل مدیریت مالی و منابع، تحلیل آماری، قوانین و مقررات، استاندارد ملی، مهارت حسابرسی، مهارت ارتباطی، مهارت حسابداری، مهارت شخصی، رهبری تیمی، مهارت سرمایه‌گذاری و دانش مالی، خلاقیت و مدیریت استراتژیک می‌تواند مسیری در جهت ارتقا سیستم‌های فنی در جهت توسعه الگوی آموزش - مهارت رشته حسابداری داشته باشد. این مساله سبب گردیده است تا عواملی از جمله مدیریت مالی و منابع، تحلیل آماری، قوانین و مقررات، استاندارد ملی، مهارت حسابرسی، مهارت ارتباطی، مهارت حسابداری، مهارت شخصی، رهبری تیمی، مهارت سرمایه‌گذاری و دانش مالی، خلاقیت

و مدیریت استراتژیک به عنوان یک ضرورت بیش از پیش در مسیر توسعه الگوی آموزش - مهارت رشته حسابداری نقش داشته باشد.

بدون شک پیاده سازی راهبردهایی از جمله ایجاد کمیته های تخصصی در خصوص توسعه آموزش و مهارت در رشته حسابداری، برگزاری همایش های ملی و بین المللی با تاکید بر بهبود سیستم های آموزشی و مهارتی در رشته حسابداری، ایجاد سامانه اطلاعاتی در خصوص محتوای علمی در رشته حسابداری، شناسایی و توسعه آموزش و مهارت های حرفه ای حسابداری بومی در سطح دانشگاه ها، آسیب شناسی شکاف انتظاراتی بهینه سازی آموزش حسابداری در دانشگاه ها، تدوین برنامه آموزشی رشته حسابداری در دانشگاه از نظرات مدیران مالی و شاغلین در صنعت، ارتباط مستمر بین دانشگاه و حرفه حسابداری، ایجاد دوره های کارآموزی به منظور به روز رسانی مهارت های علمی و عملی دانش آموختگان حسابداری و آموزش مستمر برای افراد شاغل در حرفه حسابداری و حسابرسی مطابق با انتظارات معقول و تعدیل شده می تواند پیامدهایی شامل پیامدهای شغلی، فردی و حسابداری را ایجاد نماید. به صورتی که شکل گیری این پیامدها می تواند کارکردها و فواید الگوی آموزش - مهارت رشته حسابداری را کاملاً مشخص نماید.

نتایج پژوهش بیانگر آن است که در آموزش و مهارت حسابداری، انتظارات رشته حسابداری از دیدگاه حسابداران و حسابرسان برآورد نشده است. ناتوانی دانش آموختگان رشته حسابداری ناشی از عدم توانایی استادان در آموزش مهارت های حرفه ای مورد انتظارشان به دانشجویان و عدم توانایی دانش آموختگان رشته حسابداری در بکارگیری مهارت های کسب شده در عمل می باشد. با توجه به اینکه میزان توانایی عملی دانش آموختگان حسابداری از نظر دانشگاهیان و حسابرسان متفاوت می باشد، باید دیدگاههای دانشگاهیان و حسابرسان را در مورد میزان توانایی دانش آموختگان رشته حسابداری بهم نزدیک کرد، چرا که با نزدیک شدن این گروهها می توان شرایط تربیت حسابداران و حسابرسان حرفه ای و متخصص را فراهم کرد و موجب عملکرد بهتر دانش آموختگان رشته حسابداری در بازار شد. نتایج این پژوهش با نتیجه پژوهش کهرزادی طه‌نه (۱۳۹۹) و احمدزاده زاهد (۱۳۹۲) همخوانی دارد.

منابع

- بینقی، تقی؛ سعیدی رضوانی، محمود، طراحی برنامه درسی علوم کاربردی در دوره های آموزش عالی: ارائه یک الگوی مناسب، ۱۳۸۰، کنفرانس ملی تکنولوژی در آموزش عالی.
- رحمانیان کوشکی، عبدالرسول. برزگر، بهرام و کمالی راد، اسماعیل، دوین مدلی برای بهبود کیفیت آموزش حسابداری از طریق تحلیل روشهای تدریس با استفاده از نظریه داده بنیاد، ۱۳۹۸، دوره ۱۲، شماره ۴۸، صص ۱۰۳-۱۳۰.

- صالحی عمران، ابراهیم، دیدگاه‌های نظری توسعه آموزش عالی، دانشور رفتار، ۱۳۸۳، دوره ۱۱، شماره ۵، صص ۵۵-۶۸.
 - صالحی، مهدی، نصیرزاده، فرزانه و رستمی، وهاب، چالش‌های آموزش حسابداری در ایران از دید شاغلین حرفه و مراجع دانشگاهی، مجله دانش حسابرسی، ۱۳۹۳، دوره ۱۳، شماره ۵۴، صص ۶۷-۸۶.
 - صالحی، کیوان؛ زین آبادی، حسن‌رضا و پرند، کورش، کاربست رویکرد سیستمی در ارزشیابی کیفیت هنرستان‌های فنی حرفه‌ای: موردی از ارزشیابی هنرستانهای فنی حرفه‌ای دخترانه شهر تهران، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ۱۳۸۸، دوره ۸، شماره ۲۹.
 - میرکمالی، محمد؛ نارنجی ثانی، فاطمه، بررسی رابطه کیفیت زندگی کاری و رضایت شغلی بین اعضای هیأت علمی دانشگاه های تهران و صنعتی شریف. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۱۳۸۷، دوره ۱۴، شماره ۴۸، صص ۷۱-۱۰۱.
 - مشایخی، بیبا و وروش، ایرج، نیازها و اولویت های آموزشی حسابداری مدیریت: فاصله ادراکی بین دانشگاهیان و شاغلین در حرفه حسابداری، مجله بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۳۸۴، دوره ۱۲، شماره ۴۱، صص ۱۳۳-۱۶۶.
 - وروش، ایرج، مشایخی، بیبا، نیازها و اولویت بندی‌های آموزش حسابداری مدیریت، فاصله ادراکی بین دانشگاهیان و شاغلین در حرفه حسابداری، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۳۸۴، دوره ۱۲، شماره ۴۱، صص ۱۶۱-۱۳۳.
 - وروش، ایرج، بررسی فرایند تغییر برنامه درسی و پیشنهاد یک برنامه درسی نوسازی شده برای دوره کارشناسی رشته حسابداری، مجله بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۳۸۲، دوره ۱۰، شماره ۳۲، صص ۲۱-۴۲.
 - وروش، ایرج، به سوی آینده‌ای برای زیر ساخت حسابداری کشورهای در حال توسعه، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۳۷۸، شماره ۲۹.
 - هدایتی، اکبر، ملکی، حسن، صادقی، علیرضا، سعدی پور، اسماعیل، طراحی و اعتباریابی الگوی برنامه درسی مبتنی بر شایستگی برای دوره کارشناسی‌ارشد رشته برنامه درسی، پژوهش‌های کیفی در برنامه درسی، ۱۳۹۶، دوره ۱، صص ۲۱-۴۰.
 - Albrecht, W., Sack, R, Accounting Education: Charting the Course Through a Perilous Future, Accounting education, 2000, 16, Sarasota, FL: American Accounting Association. Position and Issues Statements of the Accounting ,Accounting Education Change Commission, Accounting Education, 1996, Series(13), American Accounting Association.
 - Boyce , G., Computer – assisted Teaching and Learning in Accounting pedagogy or product , Journal of Accounting Education ,1999, 17 (1-2) :191-199.
- Chabrow , E , and M . Hayes . (2001) .«changes in Accounting Education In formation week» , <http://www.Informationweek.com/story/Iwk20010164S0024>

- Forristal , T, CAP Forum : The Future of Accounting Education : The Response of chartered Accountant, Canadian Accounting perspectives ,2002, 1(1): 20-22.
- McDonald, Jr, D. F, Tripping Hazards in Schedules AACE Transactions, 1975, PP:60-61.
- Macdonald Commission, Report of the Commission to study the public's Expectations of Audits (Toronto: Canadian Institute of Chartered Accountants: 11,1988.
- Parvaiz, G., S., Skills Expectation-Performance Gap: A Study of Pakistan Accounting Education (Ph.D. thesis). London: Brunel University, 2014.
- Wilson J., Bridging the theory practice gap, Australian Nursing Journal, 2008;16(4): 45-56.